

اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه

□ محمد نذیر *

چکیده

خداوند متعال بنی نوع انسان را از نیستی به وجود آورد و برای ادامه زندگی و رسیدن به خلقت خویش راهنما و راه شان را تعیین نمود. ذات باری تعالی انسان را بی مقصد نیافرید بلکه یک هدف خاصی دنبال دارد و رسیدن به آن هدف انبیا و اوصیا را مشخص نمود. وظیفه انبیا و جانشینان این بود که مردم را رسیدن به کمال و هدف خودشان کمک کند و مردم را تربیت کند. چنانچه پیامبر گرامی اسلام فرمود: انی بعثت مکارم الاخلاق. من برای اخلاق خوب مبعوث شدم. و اولین معلم انسان انبیا هستند. و آنها شب و روز تلاش کردند که مردم را به همان هدف برسانند. تربیت روح انسان نسبت به بدن انسان خیلی مهم است. اگر روح انسان طبق اخلاق اسلامی تربیت نشود مانند حیوان درنده است بلکه گاهی پست تر از حیوان است. اگر روح انسان را مهار نکند شیطان انسان را به اوج هلاکت می‌رساند. تربیت روح انسان سبب می‌شود که انسان از پایین به اوج ثریا می‌رسد و از صف فرشتگان فراتر می‌شود و فرشته هم به مقام آدم غبطه می‌خورد. و منزل اعلی علین قاب قوسین رسایی می‌کند. ولی اگر انسان نفس خودشان را تربیت نکند همان انسان به اسفل سافلیین می‌رسد. و در این مقاله سعی نموده ام که اهمیت تربیت در اسلام معانی و مفاهیم تربیت خصوصاً اهداف تربیت در نگاه امام خمینی رحمته الله علیه را بیان کند که طبق نظر امام خمینی ره چه اهدافی دارند و یک انسان باید آن اهداف را دنبال کند.

کلیدواژه‌ها: تعلیم، تربیت، اهداف، امام خمینی رحمته الله علیه.

مقدمه

«تعلیم» و «تربیت» دو مفهوم کلیدی در حیات علمی و معنوی بشر است که پیوسته در کنار هم به کار رفته، و همراه هم هستند، اما آیا این دو مفهوم، دو مفهوم بیگانه از هم هستند که به صورت اتفاقی کنار هم قرار گرفته‌اند، یا باهم رابطه دارند؟ هدف این مقاله، پاسخ به این دسته سؤالات است که با روش تحلیلی تدوین شده است. در این زمینه، شش نوع رابطه میان این دو مفهوم وجود دارد که از میان آنها، رابطه آمیختگی و درهم تنیدگی دارد. در آیات قرآن، دو مفهوم تعلیم و تزکیه، هر چند در کنار هم ذکر شده‌اند، اما از نحوه همراهی آن دو، می‌توان رابطه در هم تنیده و غیرقابل تفکیک در محتوا برداشت کرد. در روایات نیز هر چند دو مفهوم تعلیم و تربیت یا تعلیم و تزکیه، در کنار هم به کار نرفته‌اند، اما دو مفهوم علم و عالم به عنوان ثمرات مستقیم تعلیم به طور گسترده در کنار جلوه‌های تربیت و تزکیه به کار رفته‌اند. از بررسی آنها، تفکیک ناپذیری و درهم تنیدگی تعلیم و تربیت قابل استفاده است.

تعلیم در لغت

این واژه در لغت نامه دهخدا به معنی آموختن، آگاهانیدن، کسی را چیزی آموختن، آموزانیدن و... آمده است. (لغت نامه دهخدا، ص ۵۶)

تربیت یا پرورش

به معنی پروراندن، پروردن، پروردن و آموختن معنی شده است. (همان، ص ۷۵)

تعلیم در اصطلاح

تربیت در لغت: واژه تربیت، عربی است. معادل لاتینی آن Education و معادل فارسی آن پرورش است. از آنجا که در پرتو دین اسلام و برگزیدن آن از سوی پارسیان، تداخل و تعامل زیادی میان واژگان فارسی و عربی ایجاد شده است و واژگان عربی به طور وسیع، به حوزه ادبیات فارسی‌زبانان راه یافته است، امروزه واژه تربیت در ادبیات فارسی‌زبانان جایگاه ویژه‌ای یافته است. حتی می‌توان ادعا نمود که کاربرد آن، به ویژه در عرصه آموزش و پرورش، بیش از

پرورش شهرت یافته است. به هر حال، این واژه در زبان فارسی، در معانی گوناگونی چون پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن و در زبان عربی، به معانی متعددی چون حضانت، اصلاح، تدبیر، تتمیم، تکمیل، تأدیب، تغذیه نمودن، رشد و نمو کردن و تهذیب نمودن به کار رفته است. (رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۱).

تربیت در اصطلاح

تربیت عبارت است از: پرورش دادن استعدادهایی که در فرد مورد تربیت موجود است. (مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۴).

تربیت عبارت است از: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ، پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کامل مطلوب تدریجاً حرکت کند. (ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۲).

تعلیم و تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال، بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگانی اجتماعی پخته نیستند، انجام می‌دهند. (تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، ص ۴۸).

مفهوم ترکیبی تعلیم و تربیت

واژه ترکیبی تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش در زبان فارسی، عمدتاً دارای دو کاربرد است: کاربرد نخست، در خصوص نظام نهاد آموزش و پرورش است. کاربرد این واژه در نهاد، و نظام از کاربرد واژه تربیت در نهاد، شایع‌تر است. کاربرد دوم آن در معنای (تربیت به معنای عام) است؛ یعنی معنایی که مشتمل بر آموزش است. زیرا کاربرد این واژه در خصوص تربیت، جدای از آموزش و در مقابل آن بعید به نظر می‌رسد. کاربرد این معنا، بسیار شایع‌تر از معنای اول است. بر این اساس (مراد از تعلیم و تربیت، یک مفهوم است که در قالب دو لفظ ادا می‌شود و مربیان بزرگ این واژه را در یک مفهوم به کار می‌برند، نه به صورتی که در عربی یا در فارسی به صورت آموزش و پرورش به عنوان دو فرآیند تعبیر می‌شود. معمولاً اندیشمندان و نویسندگان بزرگ ما نیز وقتی درباره تعلیم و تربیت بحث می‌کنند، همان مفهوم تربیت را در نظر می‌گیرند. (علی شریعتمداری، رسالت تربیتی مراکز آموزشی، ص ۸۵).

رابطه تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام

در تحلیل ماهیت و تعریف (تعلیم و تربیت) این نتیجه حاصل شد که، تعلیم و تربیت دو امر تفکیک‌ناپذیرند؛ تحقق هیچ یک بدون دیگری امکان‌پذیر نیست. حال باید دید از دیدگاه اسلام این دو چه رابطه‌ای با هم دارند؟ در قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام چگونه رابطه‌ای میان تعلیم و تربیت وجود دارد؟

الف) آیات قرآن

واژه‌های (تعلیم و تزکیه) از باب تفعیل می‌باشند که در مجموع، مشتقات «تعلیم» ۴۱ مورد و مشتقات تزکیه ۱۴ مورد به کار رفته است. از مجموع این موارد، در چهار مورد، دو واژه (تعلیم و تزکیه) در کنار هم به کار رفته‌اند. از این چهار مورد، در سه مورد آن، تزکیه بر تعلیم مقدم شده و در یک مورد، تعلیم بر تزکیه مقدم شده است.

این آیات عبارتند از: «يُزَكِّيْكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ» (بقره: ۱۵۱)؛ «وَيُزَكِّيْهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ» (آل عمران: ۱۶۴)؛ «وَيُزَكِّيْهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ» (جمعه: ۲)؛ «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيْهُمْ» (بقره: ۱۲۹).

با کنار هم گذاشتن آیات فوق، و مقایسه و تأمل در آنها، نکات قابل توجهی به دست می‌آید که از آنها، جدایی‌ناپذیری و در هم آمیختگی تعلیم و تربیت را می‌توان اثبات نمود:

۱. در این آیات، چند عبارت به صورت مشترك و با تعابیر واحد بیان شده که عبارتند از: "بعثت و ارسال رسول" (رسولی از خود مردم)، "تلاوت آیات برای مردم"، "تزکیه مردم"، "تعلیم کتاب و حکمت به مردم".

تکرار سه عنصر رسول به عنوان «مربی»، تزکیه به عنوان «تربیت» و تلاوت آیات، و تعلیم کتاب و حکمت به عنوان «تعلیم»، این آیه را به عنوان مناسب‌ترین و صریح‌ترین آیه قرآن در موضوع مهم «تعلیم و تربیت» معرفی می‌کند.

۲. در هر چهار آیه، تلاوت قرآن، که خود یک نوع آموزش است، در آغاز قرار گرفته و در یک مورد، تعلیم مقدم بر تزکیه ذکر شده است. این خود حاکی از دو نکته مهم است: نخست اینکه، هیچ تربیتی بدون آموزش محقق نمی‌شود. دوم اینکه، در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی،

تنها تعلیمی منجر به تربیت اسلامی می‌شود و در ذات خود تربیت اسلامی را به همراه خواهد داشت که رنگ الهی داشته باشد؛ در هر چهار آیه، تلاوت «آیات الهی» مطرح شده است نه هر نوع آیاتی.

۳. در سه آیه از چهار آیه، "تزکیه" مقدم بر "تعلیم" بیان شده است. این نیز مفید دو نکته مهم دیگر است: نخست آنکه، هیچ تعلیمی بدون تربیت به خوبی محقق نمی‌شود. دوم اینکه، در عین جدایی‌ناپذیری و همراهی (تعلیم و تربیت)، در مرحله عمل، تربیت از جهت رتبه و اهمیت، مقدم بر تعلیم و غایت آن به حساب آید.

بنابراین، "تعلیم و تربیت" (تعلیم و تزکیه)، هرچند تحت دو عنوان از آنها تعبیر شده و از نظر مفهومی متفاوت می‌باشند، ولی در مقام عمل و تحقق، جدایی‌ناپذیر هستند برخی مفسران ذیل آیات فوق نکاتی را اشاره کرده‌اند که عبارتند از:

۱. در تفسیر نمونه، پس از اشاره به تقدّم و تأخّر دو واژه تعلیم و تربیت آمده است: این تعبیر نشان می‌دهد این دو امر در یکدیگر تأثیر متقابل دارند اخلاق زاینده علم است، همان‌گونه که علم زاینده اخلاق است. (ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۰۷)

۲. صاحب المیزان نیز ذیل آیه دوم سوره جمعه، پس از آنکه به تقدّم رتبه تزکیه بر تعلیم تصریح میکند، مقدم بودن تعلیم بر تزکیه را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد: "معلوم است که در عالم تحقق و خارج اول علم پیدا می‌شود، بعد تزکیه، چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق تحقق می‌یابد. پس اول، باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آنها عمل کرد، تا به تدریج زکات (پاکی دل) هم به دست آید." (سیدمحمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی.)

ب. روایات

براساس جست‌وجویی که در معاجم روایی، همانند بحارالانوار، کتب اربعه، نهج‌البلاغه و نیز برخی کتب روایی دیگر شده است، به موارد یا موردی که همانند قرآن، تعلیم و تزکیه به معنای اصطلاحی خود در کنار هم ذکر شده باشد دست نیافته‌ایم. شاید وجه عدم بیان آن، بدیهی بودن آن است. در نتیجه، جدایی‌ناپذیری آن دو مفروض تلقی شده است، به ویژه آنکه

روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ متأخر از قرآن بوده است. با وجود تأکید مکرر قرآن و همراهی صریح آنها در آیات قرآن، دیگر نیازی به بیان جدایی ناپذیری این دو در کلام معصومان ﷺ نبوده است و به طور عملی آن را در عرصه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، همراهی و جدایی ناپذیری تعلیم و تربیت، به ویژه با تأکیدات و تصریحات قرآن، چنان روشن بوده است که معصومین ﷺ ضرورتی در تصریح به آن ندیده‌اند. از این رو، هرچند در روایات تعلیم و تزکیه، همانند قرآن در کنار هم به آنها تصریح نشده است، ولی به گونه‌های مختلف از تعامل و جدایی ناپذیری اثر تعلیم یعنی علم با ابعاد و جلوه‌های تربیت و تزکیه سخن به میان آمده است. در زیر به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تأثیر عمیق علم در انسان

در برخی روایات، علم دارای مراتبی است و مراتب عالی آن، تأثیر مستقیم تربیتی را به همراه دارد. به گونه‌ای است که از سطح زبان فراتر رفته و در ارکان و جوارح انسان رسوخ کرده، آنها را تحت تأثیر تربیتی خود قرار می‌دهد: علی ﷺ در این زمینه می‌فرماید: پایین‌ترین مرتبه علم آن است که علم در سطح زبان باشد و بالاترین آن این است که در اعضاء و جوارح انسان آثارش نمایان شود. (نهج البلاغه، حکمت ۹۲).

۲. همراهی علم و عمل

عمل و رفتار درست، تجلی تربیت یافتگی است. بدون آن، تربیت و تزکیه به معنای کامل آن، تحقق نمی‌یابد. در دسته‌ای از روایات، از همراهی و تلازم علم و عمل سخن به میان آمده است. علی ﷺ می‌فرماید: علم قرین و همراه علم است. پس هر که دانست به عمل می‌پردازد، علم عمل را فرا می‌خواند؛ اگر عمل آن را اجابت کرد [باقی می‌ماند] وگرنه از نزد او کوچ می‌کند. (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۶).

۳. علم عامل تزکیه نفس

در بعضی روایات، از علم به عنوان عاملی برای تزکیه نفس یاد شده است. خداوند انسان را

دارای نفس دریابنده حق قرار داده است، اگر انسان آن را با علم و عمل تزکیه کند به جوهرهای اوائل علت‌های آن شبیه می‌گردد. (محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۷).

۴. تأثیر علم در تشخیص اخلاق پسندیده از ناپسند و کسب فضائل و دوری از رذائل اخلاقی

در سخنی از حضرت علی علیه السلام غایت علم تمیز اخلاق پسندیده و ناپسند و سبب کسب اخلاق پسندیده و از بین بردن اخلاق نکوهیده معرفی شده است؛ غایت علم تشخیص اخلاق [پسندیده از ناپسند] و آشکار کردن اخلاق پسندیده و نابود کردن اخلاق ناپسند است. (شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۵۴).

همچنین در فرهنگ اسلامی، علم و دانش آثار اخلاقی زیادی به دنبال دارد. تزکیه نفس و دوری، از هواپرستی، از جمله آنها به حساب آمده است. حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: از نتایج علم پرهیزکاری و دوری از هوای نفس و دنبال کردن هدایت و دوری از گناهان و دوستی با دیگران و گوش دادن به سخنان دانشمندان و قبول سخن آنان است. همچنین [نیز] از ثمرات آن، ترك انتقام به هنگام توانایی بر آن و زشت دانستن نزدیکی به باطل و نیکو شمردن تبعیت از حق و سخن حق و راست گفتن و دوری از خوشحالی در حال غفلت و انجام آنچه پشیمانی به دنبال دارد. (محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶).

۵. تأثیر علم در قلب

در تربیت و سیر و سلوک معنوی، قلب جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از آثار برجسته علم، حیات‌بخشی و زنده نگه داشتن قلب است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: علم مایه حیات و زنده نگه داشتن قلب‌هاست. (همان، ج ۱، ص ۱۶۶).

۶. تأثیر طلب علم (تعلیم)، رشد و تربیت

یکی از پیامدهای طلب علم، رشدیافتگی است. (رشد) از مفاهیم کلیدی در عرصه تربیت اسلامی است. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: طلب علم کنید تا رشد یابید. در این

روایت، نتیجه طلب علم و دانش، که همان تعلیم و آموزش است، رشد و تربیت به حساب آمده است. (محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۲۳۹)

از آنچه گذشت، تأثیر علم و دانش، در اخلاق و تزکیه نفس مشخص گردید. اما از سوی دیگر، در برخی روایات از تأثیر متقابل، تزکیه و علم، سخن به میان آمده است. بنابراین، علم و تزکیه تأثیر و تأثر متقابل دارند و از یکدیگر جدا نیستند. علی علیه السلام می فرماید: علم بدون داشتن ورع و تقوا رشد نمیکند. (همان، ج ۶، ص ۳۸۸). همچنین از جمله سفارشات و نصایح حضرت خضر علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام این است که فرمود: تقوای دل پیشه کن تا به علم و دانش دست یابی. (المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۴۴)

اهداف تعلیم و تربیت از منظر امام خمینی علیه السلام

اهداف تعلیم و تربیت از نگاه امام خمینی ره بسیار ذکر شده است ولی ما اینجا چند مورد را بازگو خواهیم کرد.

تربیت انسان به سعادت‌مند

رساندن انسان به سعادت، یکی دیگر اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه امام خمینی می باشد. سعادت عبارت است از رسیدن هر شخص با حرکت ارادی خود به کمالی که در خلقت او نهاده شده است. از نظر امام سعادت عبارت است از نجات یافتن انسان از قیودهای مادی و دام ابلیس پیمودن راه الله و رسیدن به کمال مطلق، جهت دادن توحیدی به اقدامات خود و کسب معنویات است الان نمونه های از بیانات امام در این مورد اشاره می کنیم. "حقیقت سعادت کمال مطلق و راحت مطلق است" (امام خمینی روح الله، آداب الصلاة ص ۱۱۵).

"به آمدن تعلیمات انبیا انعام کرده بر ما که ما را هدایت کند. به این راهی که راه الله است و موجب این می شود که تمام عالم به سعادت برسند. با آرامترین و با تربیت صحیح در این عالم زندگی کنند و تمام جهاتی که در این عالم هست، برگردانند به همان جهت توحیدی الاهی". (صحیفه نور ج ۱۳ ص ۵۳).

باز می فرماید:

آزادی تنها سعادت منت یست، استقلال تنها سعادت ملت نیست، مادیت تنها سعادت ملت نیست اینها در پناه معنویات سعادت‌مند، معنویات مهم است، بکوشید تا مهنویات تحصیل کنید. معنویات است که تمام سعادت بشر را بیمه می‌کند کوشش کنید در تحصیل معنویات در خلال علم که تحصیل می‌کنید معنویات را تحصیل کنید تا انشا الله سعادت‌مند شوید (راه از کلام امام، فرهنگ تعلیم و تربیت چ ۱ تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴).

احیا و شکوفایی فطرت

با توجه به اینکه تربیت رشد و شکوفایی استعدادهای موجود زنده مربوط می‌شود. لذا تربیت انسان باید به استعدادهایی فطری و ذاتی او متوجه می‌باشد چون عشق به کمال طلبی در فطرت هر انسانی هست از این رو می‌توان یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی را شکوفایی و احیا فطرت الهی دانست. از دیدگاه امام خمینی نه تنها تعلیم و تربیت بلکه هر اقدام دیگر باید نقطه آغازش انسان باشد و انسان در نظر او فطرتا پاک است و برخوردار از کیفیات ذاتی، که وظیفه بالندگی آنها بعهده دستگاه تربیتی کشور است از این رو هدف‌های غایی رسیدن به کمال مطلب یعنی خدا است. اینجا فرازهای از بیانات امام در این مورد اشاره می‌کنم. "اگر انسان بواسطه تربیت نادرست به طرف فساد کشانده نشود فطرت بسوی خیر و کمال گرایش دارد. انسان از اول اینطور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد، از اول با فطرت خوب به دنیا آمده با فطرت الهی آمده که همان فطرت انسانیت، فطرت صراط مستقیم، فطرت توحید است. این تربیت‌ها است که فطرت را شکوفا می‌کند یا جلو شکوفایی را می‌گیرد" (صحیفه نور ج ۱۴ ص ۲۸۰)

تحول روح انسان

انسان در بین مخلوقات تنها موجودی است که از دو طرف قابل تنزل و تعالی بی انتها است. یعنی همانگونه که در جهت سقوط از حیوانات نیز پایین تر می‌رود در جهت کمال نیز می‌تواند به مقامی برسد که قلبش انوار الهی شود و بایا د خدا آرامش همیشگی یابد. ولی دست یافتن به این مقام ضروری می‌نماید که انسان به علم و ایمان واقعی که با عمل صالح همراه هست

مجهر باشد. الان فرازهایی از بیانات امام خمینی ره درباره تحول روحی و اثرات آن اشاره می‌کنیم.

"پسرم من و تو اگر این حقیقت را باور کنیم و حیل‌های شیطانی و نفسانی بگذارید واقعیات آنطور که هستند بینیم نگاه از مدح مداحان و ثنای ثناجویان، آنطور پریشان می‌شویم که امروز از عیب جویی دشمنان و شایعه سازی بد خواهان اگر از آنچه ذکر شد به قلب برسد، از نامالایمات و دروغ پردازیها ناراحت نمی‌شوی و آرامش قلب پیدا می‌کنی که ناراحتیها اکثرا از خود خواهی است. (امام نقطه عطف، ص ۳۳، ۳۴)

باز می‌فرماید: برادران، باید توجه داشته باشید که هر صفت کمالی که در دنیا بخواهد باشد هر شخصی باید از خودش شروع کند اگر بخواهید انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در ایران پیاده کنید باید این انقلاب اول از باطن خودتان بتشد روح شما منقلب شود. (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۳۰)

خودشناسی

اصولا هرگونه اقدام سازنده در جهت رشد و کمال انسان، منوط به شناخت ابعاد وجودی اوست یعنی انسان باید ببیند و فکر کند بای چه آفریده شده است؟ و برای رسیدن به مطلوب، روی چه مسایلی باید توجه زیادی داشته باشد. بی شک اولین قدم برای طی این مسیر و رسیدن به کمال خودشناسی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: من عرف نفسه فقد عرف ربه. هر کس نفس خودش را شناخت در واقع خدا را شناخته است. الان فرازی از امام در مورد خودشناسی و نقش تربیتی آن در تربیت اسلامی اشاره می‌کنم.

"کتاب نفس خود را خوانده ای؟ و در این نشانه بزرگ الهی تدبر کرده ای؟ بنگر که از دیدگاه عقل بسیط با علم حضوری، بسیط اجمای از آنچه در حقیقت غیر خودت هست چه می‌بینی؟ مادامیکه انسان خودش را نشناخته، نمی‌تواند به آن راهی که راه سعادت و هدایت است دست پیدا کند. (کلمات قصار، ص، ۷۹).

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: ما خودمان توجه داشته باشیم به خودمان به اینکه اگر امر دایر

شود بین ارزش‌های انسانی و الهی و ارزش‌های طاغوتی باید ارزش هاب انسانی را انتخاب کنیم. (صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۳۹)

انسان سازی

یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام همان مقصود و غرض اصلی از بعثت انبیا می‌باشد. یعنی انسان سازی و تربیت آدم و انسان الهی که جز جز وجودش الهی باشد از اهداف اصلی بعثت پیامبران بوده است. از نظر امام همه امور مقدمه انسان سازی است و کوشش همه پیامبران معصوم علیهم السلام از اول تا آخر عمرشان این بوده است که این موجود دویا را به صراط مستقیم الهی دعوت کنند. اینک به فرازهای از بیانات امام درباره انسان سازی اشاره می‌کنیم:

"قرآن کتاب انسان سازی است می‌خواهد که انسان درست کند انسان اگر درست شد آرامش یک مملکتی پیدا می‌شود." (همان، ج ۷، ص ۸۳).

"تمام انبیا موضوع بحثشان موضوع تربیتشان انسان است، آمده‌اند انسان را تربیت کند. این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به رتبه عالی ما فوق طبیعت و ما فوق جبروت برسانند." (همان، ج ۹، ص ۷۶)

"پیامبرها آمده اند آدم هارا درست کنند کاری دیگر جز این ندارند. در طول زندگیشان پیامبرهای بزرگ و ایمه اطهار علیهم السلام دنبال این بودند که مردم را تربیت کنند." (همان، ج ۴، ص ۱۵۸).

"انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می‌شود." (کلمات قصار، ص ۲۷۳).

رهایی از هواهای نفسانی

رهایی از هوای نفس و مهار کردن ایال نفسانی یکی دیگر از هدفهای تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه امام ره می‌باشد. هواهای نفسانی از نظر امام میراث شیطان است که امراض ناشی از تسلط هواهای نفسانی بر وجود انسان از تمراض جسمانی هزاران درجه اثراتش بیشتر است. هر بلای که در دنیا و آخرت بر سر انسان می‌آید از هوای نفس است. از نظر امام اسیر شدن در دام هواهای نفسانی بالا ترین گرتاری انسان است که حتی کمر انسان را می‌شکند. لذا ضروری

است در تعلیم و تربیت اسلامی برای رسیدن این هدف توجه خاصی مبذول گردد. الان به فراز هایی از بیانات امام در این مورد اشاره می کنیم. امام خمینی ره می فرماید: "آفت انسان هوای نفس انسان است"

باز می فرماید: "تا در بنده خویشتن خویشی و هوای نفسانی خود باشید، نمی توانید جهاد فی سبیل الله و دفاع از حریم الله نمایید" (کلمات قصار، ص ۷۵).
"میزان بازماندن از حق متابعت هوای نفس است" (همان، ص ۷۵).
"هر بلای سر انسان می آید یا جامعه از دست قدرتمدان می بیند این در اثر هوای نفس و خود خواهی است" (۱۵ همان، ص ۷۵)

هدایت انسان بسوی خدا

محور تعلیم و تربیت در اسلام توجه دتدن به خدا است و اهدتف های دیگری تعلیم و تربیت اسلامی به همین هدف بر می گردند. منظور از هدایت انسان بسوی خدا رساندن او به مرحله ای است که ایمان واقعی در قلبش تجلی پیدا می کند. و رسیدن به چنین ایمان و معنویتی فقط با هدایت و خواست خدا امکان پذیر است. اهداف بعثت پیامبر ص چیزی جز هدایت مردم بسوی خدا نبوده است. چنانکه خدای متعال به حضرت خطاب می کند. "قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى" (شوری ۲۳) ای پیامبر به مردم بگو من مقابل زحمت رسالت اجر و مردی از شما نمی خواهم جز اینکه هر کسی راهی برای خدا در پیش یعنی هدایت مردم بس. ی خدا را رسول گرامی اسلام تنها اجر و مزد رسالت خود می داند.

امام خمینی ره در این مورد می فرماید: توجه بخدا را تقویت کنید روح خودتان را متوجه خدا کنید. (صحیفه نور، ص ۶۰).

باز می فرماید: ای عزیز - با هر زحمت و ریاضتی شده در قلب خود با قلم عقل نگارش ده که (لا موثر فی الوجود الا الله) نیست کار کنی در دتر تحقق مگر خدا و صورت قلب را صورت کلمه توحید کن و به مقام اطمینان برسان و به او بفهمان که مردم نفع و ضرر نمی توانند برسانند، تا نافع و ضار خدا است. (صحیفه نور، ص ۱۲۰)

امام رسالت انبیاء را هدایت انسان بسوی خدا می‌داند و می‌گوید: "انبیاء آمده‌اند این انسان را از لجنزار بیرون بیاورند و یک انسان الاهی، یک انسانی که سرپایش معرفت الله باشد، توحید باشد حرکتی نکنند الا حرکت الاهی. (کلمات قصار ۷۵،)

نتیجه

تربیت روح انسان نسبت به بدن انسان خیلی مهم است. اگر روح انسان طبق اخلاق اسلامی تربیت نشود مانند حیوان درنده است بلکه گاهی پست تر از حیوان است. اگر روح انسان را مهار نکند شیطان انسان را به اوج هلاکت می‌رساند. تربیت روح انسان سبب می‌شود که انسان از پایین به اوج ثریا می‌رسد و از صف فرشتگان فراتر می‌شود و فرشته هم به مقام آدم غبطه می‌خورد. و منزل اعلیٰ علین قاب قوسین رسایی می‌کند. ولی اگر انسان نفس خودشان را تربیت نکند همان انسان به اسفل سافلین می‌رسد.

اهداف تعلیم و تربیت از منظر امام خمینی علیه السلام، تربیت انسان سعادت‌مند، احیا و شکوفایی فطرت، تحول روح انسان، خودشناسی، انسان‌سازی، رهایی از هواهای نفسانی، هدایت انسان به سوی خدا می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

- امام خمینی، روح الله، آداب الصلاة، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۳.
- _____، صحیفه نور، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۳.
- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲.
- بناری، علی همت، نگرشی بر تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه بر تربیت، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۳.
- خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چ ۱۳۷۷
- راه از کلام امام، فرهنگ تعلیم و تربیت، چ ۱ تهران، امیر کبیر ۱۳۶۴
- شریعتمداری، علی، رسالت تربیتی مراکز آموزشی، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- _____، اصول و فلسفه آموزش و پرورش، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹.
- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳..
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار فی معرفة الائمه الطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محمدی، ری شهری محمد، میزان الحکمه، قم، مرکز الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۰.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۷.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- الهندی المتقی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- هوشیار، محمد باقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.